فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

کتابی برای تمام فصول؟!

تحلیل کتاب *دربارهٔ عکاسی*

محمد خدادادی مترجم‌زاده
عضو هیئت علمی دانشگاه هنر Mkh.motarjemzadeh@art.ac.ir

چکیده
این یادداشت انتقادی تلاش می‌کند، کتاب *دربارهٔ عکاسی* را تحلیل و بررسی نماید. ابتدا ویژگی‌های شکلی کتاب، بررسی شده و سپس، به خاستگاه بیرونی آن و دیدگاه انتقادی نویسنده اشاره می‌شود. مطالب فصول به‌اختصار مطرح شده و ساختار درونی کتاب به تحلیل درمی‌آید و در آخر نیز مواردی دربارهٔ ترجمهٔ کتاب یادآوری می‌شود. نگارنده پس از بازبینی کتاب به این نتیجه رسیده‌است که این اثر، دارای دیدگاهی چندمنظری است. مقاله‌های آن تسلسل ندارند و هر فصل به‌عنوان مقاله‌ای تقریباً مجزا و مستقل، به ماهیت عکاسی و کارکرد اجتماعی آن پرداخته‌است. این اثر تاریخ عکاسی را به‌طور همزمان، طولی و عرضی سنجیده‌است و منظری چشمگیر از نقش عکاسی در سال‌های دههٔ ۱۹۷۰م. به دست می‌دهد. همچنین، در اثنای تحقیق مشخص می‌شود که سه مترجم، پنج ترجمه از این اثر را در سال‌های مختلف منتشر کرده‌اند. بر این اساس باید پرسید: آیا جامعهٔ معاصر ایرانی نیازی به ترجمهٔ دوبارهٔ این کتاب توسط مترجمان مختلف دارد؟
کلیدواژه: عکاسی، جامعه، فرهنگ، استناد، مدرن، آمریکا

مقدمه
ادبیات عکاسی در دههٔ ۱۹۷۰م. در آمریکا نقش به‌سزایی در سامان‌دهی نظریه‌ها و به‌دست‌دادن چشم‌اندازی روشن‌تر از گذشته داشته‌است. ادبیات این دوره، در ترسیم نقش اجتماعی و هنریِ عکاسی تأثیر مهمی دارد. دراین‌میان، نقش سوزان سونتاگ[1] غیرقابل‌انکار است. کتاب *دربارهٔ عکاسی*، نوشتهٔ سوزان سونتاگ آمریکایی (۲۰۰۴-۱۹۳۳م.) با ترجمهٔ مجید اخگر در سال ۱۳۹۷، توسط نشر بیدگل منتشر شده‌است. این کتاب، ۲۴۰ گرم وزن و ۲۹۶ صفحه دارد و در قطع (حدوداً رُقعی) به ابعاد ۱۲×۲۰ سانتی‌متر

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

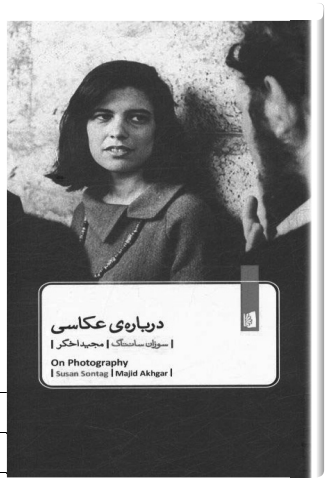

■ **سوزان، سانتگ (۱۳۹۷). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: بیدگل.**

و به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده‌است. در صفحهٔ مشخصات، موضوع کتاب به این صورت قید شده‌است: عکاسی هنری و عکاسی ـ فلسفه. کتاب با احتساب عکس روی جلد، دارای ۷۵ تصویر سیاه و سفید (عکس و نقاشی ـ طراحی) است. عکس روی جلد کتاب، روگرفتی از عکس روی جلد نسخهٔ اصلی *علیه تفسیر*[۲]، کتاب دیگر سوزان سونتاگ است. این عکس متعلق به باب پیترسون[۳] است که در سال ۱۹۶۶م. گرفته شده‌است. کیفیت عکس‌های کتاب نه مطلوب، اما قابل بازشناخت است. قیمت کتاب ۳۲۰۰۰ تومان است.

کتاب اصلی در سال ۱۹۷۷م. توسط مؤسسهٔ پنگوئن[۴] منتشر شده‌است. از سونتاگ به‌عنوان نویسنده، فیلم‌ساز، متفکر، منتقد فرهنگی و فعال سیاسی یاد می‌شود. در فاصلهٔ زمانی سال ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۸م. بالغ بر چهل کتاب از او منتشر و تجدید چاپ شده‌است. این کتاب‌ها موضوعات متنوعی را از بررسی ادبیات، تئاتر، سینما و عکاسی گرفته تا داستان، نقد و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در بر می‌گیرند. تاکنون، کتاب‌های *علیه تفسیر*، *دربارهٔ عکاسی*[۵] و در *باب رنج دیگران*[۶] (*نظر به درد دیگران*)[۷] از این نویسنده به فارسی ترجمه شده‌است.

مترجم کتاب، مجید اخگر متولد سال ۱۳۵۳ در کرمانشاه و دارای مدرک کارشناسی تئاتر و کارشناسی ارشد سینما از دانشگاه هنر است که تاکنون دو کتاب را تألیف و چند کتاب را در حوزهٔ فلسفه، نقد و نظریهٔ هنر ترجمه کرده‌است.[۸]

انتشارات بیدگل در تهران واقع شده‌است و چاپ کتاب‌های فلسفی، ادبی، نمایشی و تصویری، بخش بزرگی از فعالیت‌های این مؤسسه را تشکیل می‌دهد و پیش‌ازاین نیز دربارهٔ عکاسی و زمینه‌های مرتبط، چند کتاب منتشر کرده‌است.[۹]

تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف

بی‌اغراق، سوزان سونتاگ یکی از مهم‌ترین چهره‌های منتقد و نظریه‌پرداز در حوزه‌های ادبیات و هنرهای نمایشی و تصویری، به‌ویژه عکاسی و سینما است. دوران اوج فعالیت او نیمهٔ دوم قرن بیستم است. بااین‌وصف، نگاه مدرنیستی و همراهی متعارف با مواضع چپ (ضد سرمایه‌داری) بر بیشتر نظریه‌ها و نقدهای او سایه انداخته‌است. البته، نمی‌توان از تناقض برخی آراء و سیر تطور دیدگاه او در طی زمانی بالغ بر چهل سال به سادگی گذشت. مقاله‌ها و کتاب‌های سونتاگ با وجودِ داشتن موضوع متنوع، در برخورداری از وجهی انتقادی و نگاهی سنجش‌گر به موضوع فرهنگ و هنر و جامعه، وجه اشتراک دارند.

چشم‌انداز و زاویهٔ دید این صاحب‌نظر و منتقد فرهنگی چیست؟ و چگونه می‌تواند برای فرهنگ خودی (ایرانی) مفید باشد؟ شاید در نظر اول، این نویسنده به معنای کامل کلمه فرمالیست به نظر برسد، اما در شیوهٔ تحلیل مسائل و موضوعات مختلف معمولاً از چارچوب فرمی اثر (هر نوع شکل بیانی هنری، رسانه‌ای و اجتماعی) به بیرون از اثر، به محیط پدیداری و محیط مصرفِ اثر نیز توجه دارد و درون و بیرون اثر هنری را با هم می‌سنجد. درنتیجه، نمی‌توان او را فرمالیست صِرف دانست. از منظری دیگر، براساس نظر خود نویسنده (نک. سونتاگ، ۱۳۹۷: ۷) و صاحب‌نظران دیگر، *دربارهٔ عکاسی* حاصل تجمیع مقاله‌هایی است که در سال‌های منتهی به ۱۹۷۷م. (سال انتشار کتاب) نوشته شده‌است. منتقدان فرهنگی (عموماً چپ‌گرای) جامعهٔ امریکایی در طی این سال‌ها، پس از دورهٔ پرالتهاب دههٔ شصت میلادی و ورود آمریکا به مرحلهٔ جدید اقتدار جهانی‌اش، توانسته‌اند به سهم خود، بین سرمایه‌داری افسارگسیخته و تمایل مردم آمریکا و جهانیان به برابری و عدالت در مسیر توسعهٔ پایدار توازن لازم را برقرار کنند.

بااین‌وصف، جالب اینجاست که نویسنده‌ای که نگاه انتقادی او در تمام نوشته‌ها و آثارش به چشم می‌خورد، در جایی دیگر، عمل نقد را مانعی برای درک و لذتِ خوانندهٔ اثر (در حوزهٔ ادبیات و داستان) تلقی می‌کند و تحلیل انتقادی را آلوده‌کنندهٔ اثر هنری می‌داند. (نک. گرین، ۱۳۸۳: ۱۸). وجود همین تناقض در برخی آرای او در کتاب *دربارهٔ عکاسی*، اعتبار دوچندانی به تحلیل‌ها می‌دهد و درعینِ‌حال، در نتیجه‌گیری ابهام پدید می‌آورد، اما درنهایت، ذهن مخاطب را به‌سوی زمینهٔ شکل‌گیری جریان‌ها و تأثیرات عکاسی بر جامعه و توجه به پیرامتن‌ها جلب می‌کند. مقاله‌های کتاب هرچند ازنظر عنوان و مضمون، پیوستاری یک‌پارچه را پدید نمی‌آورند، روایتگر تاریخ عکاسی از منظرهایی مهم هستند. سونتاگ با چیدمان فصل‌های کتاب، روش‌شناسی خاص خود را ارائه می‌کند. او بیش از آن‌که خود را وامدار تاریخ و جبر تاریخی در داستان عکاسی بداند، این طومار پیچیده را در زمان حال (اکنون) خود باز می‌کند. ازاین‌جهت، کار او بیشتر تبارشناسی در هستی‌شناسی عکاسی است. او از زمان حال به گذشته می‌رود و بازمی‌گردد و این کار را تقریباً در

هـر شـش مقالـهٔ کتـاب از منظرهـای متفاوت تکـرار می‌کنـد. هرچنـد خواننده بـا مطالعهٔ مطالـب کتـاب می‌توانـد، نوعـی سـیر تاریخـی را در اشـاره‌ها و اسـتدلال‌های کل مطالـب آن بیابـد، تکـرار برخـی اسـامی یـا جریان‌ها و عکس‌هـا در هر فصـل، چشـم‌انداز موردِنظر نویسـنده را بـرای مخاطـب ترسـیم می‌کنـد. از سـویی دیگـر، عناویـن مختلـف و شـاید بی‌ارتبـاط فصل‌هـا (مقاله‌هـا) بـه یکدیگـر، از ماهیـت نـگارش غیرپیوسـتهٔ آن‌هـا و تنـوع منظرهـا حکایـت می‌کنـد (نـک. سـونتاگ، ۱۳۹۷: ۷).

مترجـم کتـاب یـادآوری می‌کنـد: «سـانتاگ نیـز در درجـهٔ اول درمـورد آمریـکا می‌نویسـد. درواقـع، کتـاب *دربـارهٔ عکاسـی* را می‌تـوان از یک منظـر نوعی تاریـخ انتقادی آمریـکا دانسـت کـه از مجـرای عکاسـی به تحـولات فرهنگی و شـیوهٔ نـگاه جامعـهٔ آمریکا از اوایـل سـدهٔ بیسـتم تـا انتهـای دهـهٔ هفتـاد می‌نگـرد» (همـان: ۲۹۱). در جایـی دیگر، در سـال ۱۹۸۰م. تنهـا سـه سـال پـس از انتشـار کتـاب سـونتاگ، جـان برجـر در کتـاب *دربـارهٔ نگریسـتن*، مقالـه‌ای را بـا عنـوان «کاربردهای عـذاب» به مناظـرهٔ دیدگاه‌های خود و سـونتاگ دربـارهٔ کارکردهـا و ماهیـت عکاسـی اختصـاص داده و برخـی از عقایـد او را به چالـش می‌کشـد. او معتقـد اسـت، اگرچـه عکس‌هـا بـرای بـه تصویر کشـیدن یـک بحث و یـا اندیشـه‌ای خـاص عموماً به‌صـورت خطی مـورد اسـتفاده قـرار می‌گیرنـد، حافظه‌ای عملکـردی و نـه خطـی، بلکه شـعاع‌وار دارند. بـه این معنی کـه تعداد عظیمـی از تداعی‌ها بـه رویـدادی واحـد منتهـی می‌شـود (نـک. برجـر، ۱۳۷۷: ۸۵) و نتیجـه می‌گیـرد: «اگـر مـا می‌خواهیـم عکسـی را به متـن تجربه، تجربـهٔ اجتماعی، حافظـهٔ اجتماعـی برگردانیم، بایـد قوانیـن حافظـه را محتـرم بداریم» (همـان: ۸۶).

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

ساختار درونی و متن کتاب

مطالـب هـر فصـل (مجموعـهٔ نام‌هـا، آثار هنـری، عکس‌هـا، جریان‌هـای فرهنگـی، هنری و سیاسـی و ...) بـه قـدری زیـاد اسـت کـه نمی‌تـوان آن‌هـا را در جایـی جمع‌آوری کـرد. به‌ویـژه آن‌کـه بعضـی از آن‌هـا در فصـول دیگر نیز تکـرار می‌شـوند. بااین‌وصـف، نگارنده با نگاهـی کلی‌نگـر و صرفاً جهـت دوره کـردن مطالب هر فصـل و با هدف یافتن سـرنخ‌هایی از متـن و مضامیـن خـاص در مسـیر فهـم محتـوای فصـول، ایـن مضامیـن را برجسـته‌تر دیده‌اسـت:

فصـل اول کتـاب بـا عنـوان «در غـار افلاطـون»، قابلیت اسـتنادی و ارجاعـی عکس و عکاسـی، دروغ و راسـتی آن‌را بـه بحـث می‌گذارد و دوربین را به‌مثابهٔ اسـلحه‌ای برای شـکار بـه فـروش می‌رسـاند (نـک. سـونتاگ، ۱۳۹۷: ۲۴). البتـه تناقض‌گویـی واضحـی در برخـی عبـارات او نیز به چشـم می‌خورد؛ او عکاسـی را اساساً کُنشـی حاکی از عـدم مداخله مطرح می‌کنـد و دو صفحـه بعـد می‌گوید: «عکـس گرفتن از آدم‌هـا در حکم تعدی به آن‌هاسـت... عکـس گرفتـن از یـک شـخص نیز شـکل والایش یافتهٔ قتل اوسـت» (همـان: ۲۵).

فصـل دوم کتـاب بـا عنـوان «چنان‌کـه از میـان عکس‌ها دیده می‌شـود، بـه تیرگی»

همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، نگاهی تیره و تار از دوران‌های سخت در آمریکای قرن بیستم را توسط رسانهٔ عکاسی به تصویر می‌کشد. دههٔ سی: بحران اقتصادی، دههٔ چهل: جنگ دوم جهانی، دههٔ پنجاه: جنگ سرد و مبارزه با کمونیسم، دههٔ شصت: به بهانهٔ اعتراض و سهم‌خواهی جوانان ضد جنگ و دههٔ هفتاد: با موضوع سَرخوردگی و خستگی از فشار دهه‌های پیشین و نوعی دهن‌کجی اجتماعی (نک. همان: ۵۸). سونتاگ دقیقاً در همین سال‌ها کتاب خود را جمع می‌کند و شاید بتوان ریشهٔ نگاه منفی و انتقادی او را به جامعه و فرهنگ آمریکایی، در قرابت او و سال‌های دههٔ هفتاد یافت.

فصل سوم کتاب با عنوان «اشیاء مالیخولیایی» یک فصل چند وجهی است. از یک منظر، به تئاتری‌سازی سوررئالیستی امر واقعی و از منظری دیگر، به کارکرد اشیاء در هنرهای زیبا و اشیاء موجود در خیابان و در کنار آن، مستندنگاری در آمریکا و بازگویی داستان آمریکا در قالب قیام مدرنیستی می‌پردازد. در آخر نیز اذعان می‌کند که: «عکس‌ها بیهودگی تلاش برای حتی فهم جهان را نشان می‌دهند و درعوض پیشنهاد می‌دهند که آنان را چون کلکسیونی گردآوری کنیم» (همان: ۱۱۴).

فصل چهارم کتاب با عنوان «وجه قهرمانی دیدن» موضوع تبدیل عکاس به قهرمان عصر جدید را پیش می‌کشد و در تقابل با آن، به بحث دربارهٔ تقدس‌بخشی به زندگی روزمره می‌پردازد. از سویی، الگوهای انتزاعی عکاسی در آثار استرند[۱۰]، وستون[۱۱]، اجرتون[۱۲] و وایت[۱۳] را طرح می‌نماید و از سوی دیگر، تأثیرهای دیدگاه مدرنیستی و نقاشی را بر عکاسی برمی‌شمارد و تأثیر باوهاوس[۱۴] را بر این موضوع می‌کاود. او باز در این فصل در میان بحث‌های مربوط به فرم و انتزاع، موضوع آمریکا را پیش می‌کشد و در پایان فصل، اذعان می‌کند که بسیاری از عکاسان حرفه‌ای، ایدئولوژی اُمانیستی را جایگزین توجیهات فرمالیستی کرده‌اند، چون سردرگمی آنان میان حقیقت و زیبایی نهادینه در عکاسی را پنهان می‌کند (نک. همان: ۱۵۰).

فصل پنجم کتاب با عنوان «انجیل‌های عکاسی» از بزرگان عکاسی یاد کرده و مسیر جِد و جَهد قهرمانانه و ریاضت‌کشی و همچنین، پذیرش عرفانی جهان توسط آنان را توصیف می‌کند. این فصل اشاره‌ای مهم نیز به عکس‌گرفتن[۱۵] و عکس‌ساختن[۱۶] دارد. در این مسیر، برخی از فتواهای ماهیت‌شناسانه را طرح می‌کند: عکاسی رابطه‌ای تجاوزگرانه با جهان دارد و ستایشگر نفس است، یورش به واقعیت و تسلیم شدن در برابر واقعیت (نک. همان: ۱۶۲). همچنین رجعت به سنت‌های گذشتهٔ عکاسی را در عصر حاضر، رویکردی گریزناپذیر تلقی می‌کند. یکی از موارد مهمی که در این فصل مطرح می‌شود، عبارت است از: فقیر بودن زبان عکاسی، به‌ویژه فقدان یک سنت غنی در حوزهٔ نقد عکس (نک. همان: ۱۸۱). نویسنده در اواخر فصل تذکر می‌دهد که همواره نقاشان از عکاسان کمک گرفته‌اند، اما کسی انتظار ندارد عکاسان از نقاشان کمک گیرند و در آخر نتیجه می‌گیرد: «حالا باید گفت: تمامی هنرها سودای عکاسی

در سر دارند» (نک. همان: ۱۹۴).

در **فصل ششم** با عنوان «جهان تصویر»، نویسنده باز از قرن نوزدهم آغاز می‌کند و به جامعهٔ مدرن می‌رسد. از دیدگاه او جامعه زمانی مدرن می‌شود که یکی از مشغله‌های اصلی آن، تولید و مصرف تصویر باشد. در ادامه به بحث اصل و کپی، تصویر چیزی و خود آن چیز می‌پردازد. او در این فصل به جامعهٔ سرمایه‌داری می‌تازد و جملهٔ معروف خود را می‌گوید: «جامعهٔ سرمایه‌داری به فرهنگی مبتنی بر تصاویر احتیاج دارد.... دوربین‌ها واقعیت را به دو شکل تعریف می‌کنند: به‌عنوان یک نمایش (برای تودهٔ مردم) و به‌عنوان موضوع نظارت (برای حاکمان)» (همان: ۲۲۶). در آخر این فصل نتیجه می‌گیردکه توانایی‌های عکاسی، فهم ما از واقعیت را غیرافلاطونی کرده‌است (نک. همان: ۲۲۸). شروع اولین مقالهٔ کتاب با افلاطون بود و آخرین مقاله نیز به افلاطون می‌رسد.

فصل هفتم با عنوان «گزیدهٔ مختصری از نقل‌قول‌ها» ادای دینی به والتر بنیامین[۱۷] است و همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، نقل عبارات صاحبان اندیشه دربارهٔ عکاسی، اعم از عکاس و غیرعکاس است.

بخش آخر کتاب با عنوان «تأملاتی دربارهٔ ماهیت تاریخیِ تصویر فوتوگرافیک» توسط مترجم کتاب (مجید اخگر) به متن افزوده شده‌است. به نظر می‌رسد، مترجم با این مقاله سعی داشته ضمن گفت‌وگویی یک‌طرفه با سونتاگ، خصیصه‌ها و درک سرنوشت عینی تصاویر فتوگرافیک را تبیین کند (نک. همان: ۲۹۳). همان کاری که در ترجمهٔ دیگر این کتاب توسط نگین شیدوش (۱۳۸۹) صورت گرفت، اما او متنی از جان برجر[۱۸] را با عنوان کاربردهای عکاسی[۱۹]، ترجمه و به انتهای کتاب افزوده‌است. متن برجر نیز شبیه به گفت‌وگویی یک‌طرفه است. او در این متن کلام خود را با نقل‌قول‌های سونتاگ همراه کرده‌است (نک. سونتاگ، ۱۳۸۹: ۳۹۹). وجود این افزوده در دو ترجمه از دو مترجم و متن خود جان برجر، بر ضرورت توضیح اضافی برای این نوشتار دلالت می‌کند. امری که مترجم سوم (فرزانه طاهری) آن را ضروری ندانسته‌است.

با توجه به این‌که متن کتاب اصلی فاقد عکس بوده‌است (نک. همان: ۷)، وجود عکس‌های متنوع و متفاوت که توسط دو مترجم به متن کتاب افزوده شده‌است، از این موضوع مهم حکایت می‌کند که فهم مطالب کتاب همراه با عکس‌های شاهد متن، ساده‌تر و یا عمیق‌تر می‌شود. البته اولین متن ترجمه‌شده در قالب مقاله‌های پیوسته در مجلهٔ عکس فاقد عکس است. لازم به ذکر است، کتاب *موضوع نقد*، عکس‌هایی را از سال‌های پس از مرگ سونتاگ نیز ارائه کرده‌است (نک. سونتاگ، ۱۳۸۹: ۲۷). شاید معنی این کار این است که برخی از آموزه‌های سونتاگ پس از سی سال، کماکان قابلیت تعمیم به نمودهای معاصر عکاسی را دارد.

کتاب *دربارهٔ عکاسی* برای نخستین‌بار توسط فرزانه طاهری ترجمه شده

و بـه شـکل مقاله‌هـای پیوسـته در ۱۰ شـمارهٔ مجلـهٔ عکـس از اسـفند ۱۳۷۴ تـا آذر ۱۳۷۵، بـدون هیـچ افـزوده‌ای انتشـار یافته‌اسـت. مزیـت کار طاهـری در ترجمـهٔ سـادهٔ متـن اسـت. او بـه متـن اصلـی وفـادار مانـده و از عکـس بـرای همراهـی بـا متـن اسـتفاده نکرده‌اسـت. در مقدمـهٔ نخسـتین مقالـه از ده مقالـهٔ مجلـه، مترجـم اذعـان می‌کنـد: «تاکنـون چنـد تـن از مترجمـان کشـورمان دسـت بـه ترجمـهٔ کتـاب زده‌انـد، امـا بـه دلایـل نامعلومـی هرگـز ایـن ترجمه‌هـا پـا بـه مرحلـهٔ نشـر نگذاشته‌اسـت. شـیوهٔ نـگارش کتـاب پیچیـده و دشـوار اسـت...» (سـونتاگ، ۱۳۷۴: ۶۱).

ظاهـراً دومیـن ترجمـهٔ کتـاب، توسـط نگین شـیدوش در سـال ۱۳۸۹ انجام شـده و انتشـارات حرفـهٔ نویسـنده در تهـران آن‌را منتشـر کرده‌اسـت. ترجمـهٔ شـیدوش باتوجه‌به تحصیـل او در رشـتهٔ عکاسـی از بیـان مناسـب‌تر مفاهیـمِ عکاسـانه برخـوردار اسـت. عکس‌هـای شـاهد متـن نیز در کتاب او در بیشـتر مـوارد، می‌توانـد خواننده را بـه مفاهیم و نمونه‌هـای موردِنظـر نویسـنده آشـناتر کنـد.

در ترجمـهٔ سـوم (کتـاب مـوردِ بررسـی) نیـز عکس‌هـای شـاهد متـن وجـود دارد. البتـه، عکس‌هـای ایـن کتـاب بـا کتـاب شـیدوش متفـاوت اسـت؛ چه‌بسـا کـه مترجـم از عکس‌هایـی مربـوط بـه سـال‌های پـس از انتشـار کتـاب (۱۹۷۷م) و حتـی سـال‌های پـس از مـرگ نویسـنده اسـتفاده کرده‌اسـت (نـک. سـونتاگ، ۱۳۹۷: ۲۷). ترجمـهٔ کتـاب در نـگاه کلی‌نگـر، شـاید صحیـح باشـد، امـا سـاده و صریـح نیسـت. نگارنـده بـر ایـن بـاور اسـت کـه مترجـم می‌توانسـت، بسـیاری از جمله‌هـا را سـاده‌تر ترجمـه و ترکیـب نمایـد؛ بـرای نمونـه، بـه ترجمـهٔ سـه‌گانهٔ اولیـن جملـه در متـن اصلـی[۲۰] اشـاره می‌شـود:

ـ طاهـری: « نـوع بشـر بی‌هیـچ تحرکـی در غـار افلاطونـی نشسته‌اسـت و بنابه عادت دیریـن، فقـط دل بـه تصاویر حقیقـت خوش کرده‌اسـت» (سـونتاگ، ۱۳۷۴: ۶۱).

ـ شـیدوش: «نوع بشـر سـال‌ها اسـت که سرخوشـانه در غـار افلاطون بـه زندگی ادامه می‌دهـد؛ سـرخوش از عـادت قدیمـی خـود، در تصاویـری صِـرف از حقیقـت» (سـونتاگ، ۱۳۸۹: ۱۹).

ـ اخگـر: «آدمـی کمـاکان بـدون سـرافکندگی در غـار افلاطـون به سـر می‌بـرد و بنابه عـادت دیریـن، با صِـرف تصاویری از حقیقت شـادمان اسـت» (سـونتاگ، ۱۳۹۷: ۹).

درواقـع، سـه مترجم عبارت‌هـای «بی‌هیچ تحرکی»، «سرخوشـانه» و «سـرافکندگی» را از یـک کلمـه یـا عبـارت اصلـی ترجمـه کرده‌انـد، درحالی‌کـه ایـن واژه‌هـا متـرادف و هم‌معنـی نیسـتند و شـاید هیـچ‌گاه نتوانیـم، بـه غایـت معنـای موردِنظـر نویسـندهٔ اصلی دسـت‌یابیم، (البتـه اگـر چنیـن غایتی وجود داشـته باشـد.) امـا کدام‌یک از ایـن عبارت‌ها صحیح‌تـر و یـا بـه منظـور سـوزان سـونتاگ نزدیک‌تر اسـت؟!

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

نتیجه‌گیری

شاید هیچ روشی برای بیان پراکندگی و تفکر چندوجهی و ابعاد متنوع پدیده‌ای اجتماعی چون عکاسی در جامعهٔ آمریکایی دههٔ هفتاد میلادی، بهتر از خود پراکنده‌نویسی نباشد؛ کتابی که بیش از چهار دههٔ پیش، مطابق با ضرورت زمان خود و بر اساس ادبیاتی که در آن سال‌ها در جامعهٔ آمریکایی رایج بود، فصل به فصل نوشته و منتشر شده‌است. به‌درستی نمی‌دانیم که آیا مقاله‌ها به‌ترتیب زمانیِ منتشرشده، نوشته شده‌اند یا نه؟ ازآن‌جایی‌که مطالب اغلب فصل‌ها با هم اشتراکِ موضوع یا معنی دارند، بسیاری از فصل‌ها را می‌توان جابه‌جا نمود، بدون آن‌که درون‌مایهٔ اصلی کتاب تغییر کند. ازاین‌جهت، این اثر بیشتر یک مجموعه‌مقاله یا یک متنِ پیوسته است که هر فصل، نقش خود را متناسب با سایر فصل‌ها ایفا می‌کند.

نگارنده عمیقاً معتقد است که شخصیت و نوشته‌های سونتاگ، دارای پیچیدگی‌های خاصی است که خواسته و ناخواسته و به‌رغم تلاش مترجمان برای درک منطقی متن توسط مخاطب، به ترجمه‌های فارسی نیز راه یافته‌است. در مقایسه‌ای که بین سه ترجمهٔ این اثر انجام شده‌است، بی‌اغراق ترجمهٔ مجید اخگر صحیح‌ترین و درعینِ‌حال، سخت‌ترین آن‌ها است. در متون ترجمه‌شده، فهم متن نسبتی حساس با ساده‌نویسی و صحیح‌نویسی دارد. استفاده از عبارت‌های پیچیده یا کلمات و ترکیباتی که چندان در نگارش معمول نیست، نمی‌تواند به بار معنایی مفهوم اصلی چیزی بیافزاید، بلکه فهم خواننده را به تعویق می‌اندازد، یا آن‌را به فهم جمله‌ها و پاراگراف‌های دیگر وابسته می‌کند. درعینِ‌حال، ترجمهٔ برخی از عبارت‌ها در کتاب نیز بسیار عجیب می‌نماید.[۲۱]

هر مخاطَب و خواننده‌ای می‌تواند برحسب علاقه و تخصص خود به تناوب و بنابر ضرورت، در طی سال‌های مختلف به ترجمهٔ متنی خاص مانند کتاب سونتاگ رجوع کند و هربار (شاید) رهیافت جدیدی از مطالب آن بیابد، اما مخاطب امروزی در مواجههٔ همزمان با سه ترجمهٔ حاضر[۲۲] از چنین متنی، چه تکلیفی دارد؟ چگونه می‌توان تفاوت‌های این متون را توجیه کرد؟ آیا وجود سلیقه‌های متفاوت در ترجمه، می‌تواند تنها پاسخ منطقی باشد؟!

هرچند در کتاب سونتاگ نکات مهم و ارزنده‌ای از عملکرد عکاسی در سال‌های میانی قرن بیستم آمده و حتی برخی دیدگاه‌های او توانسته‌است، تفکر و نظریه‌های سال‌های بعد در عکاسی را پیش‌گویی کند، نگارنده دربارهٔ ضرورت و فایدهٔ تکرار دیدگاه‌های سونتاگ در غالب ترجمهٔ مکرر یک کتاب واحد، در جامعهٔ عکاسی تردید دارد.

پی‌نوشت

1. Susan Sontag
2. Against interpretation
3. Bob Peterson
4. Penguin

۵. چند ترجمهٔ فارسی از کتاب *دربارهٔ عکاسی* موجود است:

سونتاگ، سوزان (اسفند ۱۳۷۴ تا آذر ۱۳۷۵). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ فرزانه طاهری. مجلهٔ عکس. ۱۰ شماره.
ـــــــــــ (۱۳۸۹). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ نگین شیدوش. تهران: حرفهٔ نویسنده.
ـــــــــــ (۱۳۹۰). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: حرفهٔ هنرمند، نظر.
ـــــــــــ (۱۳۹۳). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: نظر.
ـــــــــــ (۱۳۹۷). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ فرزانه طاهری. تهران: آبان.
ـــــــــــ (۱۳۹۷). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: بیدگل.

6. Regarding the Pain of Others, 2003

۷. دو ترجمه از این کتاب منتشر شده‌است:

سونتاگ، سوزان (۱۳۹۴). *نظر به درد دیگران*. ترجمهٔ احسان کیانی‌خواه. تهران: گمان.
ـــــــــــ (۱۳۹۷). *تماشای رنج دیگران*. ترجمهٔ زهرا درویشیان. تهران: چشمه.

۸. کتاب‌های این نویسنده عبارت است از:

اخگر، مجید (۱۳۹۱). *کتاب فانی و باقی (درآمدی انتقادی بر مطالعهٔ نقاشی ایرانی)*. تهران: حرفهٔ هنرمند.
ـــــــــــ (۱۳۹۶). *بازیابی امر محسوس (هفت گفتار در زیبایی‌شناسی هنر)*. تهران: بیدگل.

ـ برخی از کتاب‌های ترجمه‌شده توسط این نویسنده عبارت است از:

بورگر، پیتر (۱۳۸۶). *نظریهٔ هنر آوانگارد*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: مینوی خِرد.
سونتاگ، سوزان (۱۳۹۳). *علیه تفسیر*. مجید اخگر. تهران: بیدگل.
ناکلین، لیندا (۱۳۹۴). *بدن تکه تکه شده (قطعه به‌مثابهٔ استعاره‌ای از مدرنیته)*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: حرفهٔ هنرمند.
ولز لیز (ویراستار) (۱۳۹۳). *نظریهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: سمت.
سونتاگ، سوزان (۱۳۹۰). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: حرفهٔ هنرمند - نظر.
ـــــــــــ (۱۳۹۳). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: نظر.
ـــــــــــ (۱۳۹۷). *دربارهٔ عکاسی*. مجید اخگر. تهران: بیدگل.

۹. برای نمونه می‌توان این کتاب‌ها را نام برد:

کریم مسیحی، یوریک (۱۳۸۹). در جهت عکس. تهران: بیدگل.
ـــــــــــ (۱۳۹۴). *عکس و دیدن عکس، ما از عکس چه می‌گیریم*. (چ دوم). تهران: بیدگل.
ـــــــــــ (۱۳۹۵). *نگاهم کن، خیالم کن، هفده جُستار دربارهٔ عکس*. تهران: بیدگل.
سونتاگ، سوزان (۱۳۹۳). *علیه تفسیر*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: بیدگل.

10. Paul Strand
11. Edward Weston
12. Harold Edgerton
13. Minor White
14. Bauhaus
15. Tacking
16. Macking
17. Walter Benjamin
18. John Berger

۱۹. این متن با عنوان «کاربردهای عکس»، پیش‌تر در قالب فصلی از کتاب زیر ترجمه شده بود:

برجر، جان (۱۳۷۷). *دربارهٔ نگریستن*. ترجمهٔ فیروزه مهاجر. تهران: آگه.

20. Humankind liners unregenerately in Plato`s cave, still reveling, its age-old habit, in mere images of the truth (Sontag, 1977, 3).

۲۱. برای نمونه این عبارت: « عکس‌ها می‌توانند به مستقیم‌ترین و فایده‌گرایانه‌ترین شکل امیال برانگیزند، مانند زمانی که کسی تصویر نمونه‌های ناشناسی از موجودات دلخواهش را به‌عنوان مددکارِ استمناء جمع‌آوری می‌کند» (سونتاگ، ۱۳۹۷: ۲۷).

۲۲. نسخهٔ ترجمه‌شده توسط فرزانه طاهری در سال ۱۳۹۷، به‌صورت کتاب توسط انتشارات آبان منتشر شده‌است.

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

منابع

برگر، جان (۱۳۷۷). *دربارهٔ نگریستن*. ترجمهٔ فیروزه مهاجر. تهران: آگه.

سونتاگ، سوزان (۱۳۹۷). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: بیدگل.

ـــــــــــــ (۱۳۸۹). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ نگین شیدوش. تهران: حرفهٔ نویسنده.

ـــــــــــــ (۱۳۷۴). *دربارهٔ عکاسی*. ترجمهٔ فرزانه طاهری. مجلهٔ عکس. اسفند ۱۳۷۴ تا آذر ۱۳۷۵.

گرین، ویلفرد و دیگران (۱۳۸۳). *مبانی نقد ادبی*. ترجمهٔ فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر.

Sontag Susan, 1977, On Photography, London: Penguin.